

روابط خارجی ایران

در عص سلوکی و اشکانی

دکتر محمد ملکی



بنام خداوند جان و خرد

روابط خارجی ایران

در عصر سلوکی و اشکانی

دکتر محمد ملکی

انتشارات شفيعی

۱۳۹۹

سرشناسه	: ملکی، محمد، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور	: روابط خارجی ایران در عصر سلوکی و اشکانی / محمد ملکی.
مشخصات نشر	: تهران: شفیعی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۸ ص.
شابک	: 978-964-784392-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۷۳]-۲۸۶: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- پیش از اسلام
موضوع	: Iran -- Foreign relations -- To 640
موضوع	: ایران -- تاریخ -- سلوکیان، ۳۲۳ - ۳۴۹ ق.م.
موضوع	: Iran -- History -- seleucids, 323 - 249B.C
موضوع	: ایران -- تاریخ -- اشکانیان، ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م.
موضوع	: Iran -- History -- Parthians, 249B.C - 226 A.D
رده بندی کنگره	: DSR ۱۳۵
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۴۵۱۰۲

روابط خارجی ایران در عصر سلوکی و اشکانی

دکتر محمد ملکی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

چاپ و صحافی: هورنو

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

شابک: ۸ - ۹۲ - ۷۸۴۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

با کمال خضوع و خشوع تقدیم می شود به:

اولین و بزرگ ترین استادم، پدرم زنده یاد حاج عبدالعلی ملکی

و زیباترین اتفاق زندگی ام، دخترم آوا

فهرست

پیشگفتار.....	۷
منابع.....	۱۷
حکومت اسکندر و سلوکیان در ایران.....	۲۷
فرمانروایی اشکانیان در ایران و مناسباتش با سلوکیان.....	۶۱
قدرت نوظهور روم و روابطش با سلوکیان.....	۸۱
سیاست خارجی ایران در دوران فرمانروایی مهرداد دوم.....	۱۰۳
روابط ایران با همسایگانش در دوران جنگ‌های مهرداد دی.....	۱۲۳
ایران و روم در دوره فرمانروایی اُرد دوم و فرهاد چهارم.....	۱۵۱
مسئله ارمنستان و انعقاد پیمان رانديا در قرن یکم میلادی.....	۱۸۹
روابط ایران و روم با محوریت ارمنستان در قرن دوم میلادی.....	۲۲۹
گاه‌شناسی وقایع مهم.....	۲۶۱
کتاب‌نامه.....	۲۷۳
نمایه.....	۲۸۹

پیشگفتار

کتاب روابط خارجی ایران در عصر سلوکی و اشکانی، به سیاست خارجی ایران در دوره سلوکیان و اشکانیان، با تاکید بر روابط ایران و روم پس از سقوط هخامنشیان و روی کار آمدن اسکندر تا انحطاط اشکانیان، در نتیجه رقابت طولانی مدت آنها با روم و روی کار آمدن ساسانیان در ایران، می پردازد. مطالب این کتاب، پس از توضیحات مختصری در مورد معرفی منابع دوره مورد بحث و ورود اسکندر به ایران، به طرح مباحثی درباره چگونگی شکل گیری قدرت های سلوکی و اشکانی در ایران و روابط آنها با امپراتوری روم است و به دنبال آن است تا درک درستی از رابطه ایران با روم و نقش پادشاهی های کوچک منطقه را ارائه کند تا رویدادهایی را که در این مدت در سراسر محدوده ژئوپلیتیکی منافع ایران و روم در شرق، از آناتولی گرفته تا قفقاز و میان رودان، روشن کند.

اگرچه کمبود منابع - به خصوص منابع ایرانی - و سکوت آنها درباره سلوکیان و اشکانیان، در بسیاری مواقع، در طول سه یا چهار سده قبل از میلاد و حتی بعد از آن، مشکلات تحقیق را دوچندان می کند، اما این کتاب تا حد امکان با کمک گرفتن از کلیه منابع عمدتاً غربی و تطبیق آنها با منابع هرچند کم ایرانی با قوه تحلیل، به ارائه درک درستی از وضعیت امور از ابتدای روابط ایران با روم و شروع خصومت آنها، از دوران سلوکیان تا

سقوط اشکانیان، که منجر به روی کار آمدن ساسانیان و تداوم روابط خصمانه ایران و روم در دوره ساسانی شد، می‌پردازد.

بررسی و شناخت روابط خارجی ایران در دوره سلوکی و اشکانی، مستلزم توجه جدی به حکومت‌های پیرامون ایران است. بزرگ‌ترین دولت پیرامون ایران، از اواخر قرن سوم قبل از میلاد به بعد، دولت روم است که در نتیجه پیشروی به سمت شرق و شکست دولت‌های یونانی و مقدونی در شمال غرب قلمرو ایران در حال شکل گرفتن بود و در واقع رقیب عمده ایران در این زمان و زمان‌های بعد از این شد. به همین دلیل، این کتاب به پیشینه تاریخی روم نیز توجه می‌کند و در حد امکان به دنبال آن است که یک تصویر معقولی از این حکومت باستانی معارض با ایران، برای آشنایی بیشتر خوانندگان، ارائه دهد.

افزون بر روابط سلوکیان با روم، چگونگی شکل‌گیری اشکانیان در ایران و تعارض آنها با قدرت سلوکیان، از جمله مباحث مهمی است که نگارنده، به دقت و وسواس خاطر و به دور از هرگونه جانب‌داری، به آن پرداخته است. کتاب حاضر، به جنگ‌های جانشینی در سال‌های پایانی حکومت مهرداد دوم، که زمینه را برای مخالفت برخی از کشورهای ثروتمند و دست‌نشانده اشکانیان فراهم کرد، نیز توجه می‌کند، تا از این طریق بسیاری از کنش و واکنش شاهان بعد از مهرداد دوم و حتی حوادث اواخر دوره خود مهرداد دوم بهتر فهمیده شود. زیرا تا پیش از این، در دهه‌های ۱۴۰ و ۱۳۰ قبل از میلاد، پیش از انتقال پایتخت از هکاتوم پولیس به سلوکیه و تأسیس تیسفون، بسیاری از پادشاهی‌های مستقل، تحت سلطه اشکانیان در زمان مهرداد یکم درآمدند و بسیاری از آنها، نظیر خاراسنه، الیمایی، آدیابنه، اسروئنه، گوردیانه، کوماگنه، ماد، ماد آتروپاتن، ارمنستان و پارس، به صورت نیمه مستقل اداره می‌شدند. اما در دوران جنگ‌های

جانشینی، الیمایی از اواسط دهه ۸۰ تا اواخر آن مستقل شد و ارمنستان تحت فرمانروایی تیگران بزرگ، سوفنه، کوماگنه، اسروئنه، ماد آتروپاتن و گوردینه را دست‌نشانده خود کرد و در پایان جنگ‌های مهرداد، با شکست تیگران مقابل پومپه، ارمنستان دست‌نشانده روم شد و حوزه نفوذ روم، پس از الحاق سوریه به روم، به مرزهای فرات رسید.

تهاجم روم به قلمرو اشکانیان و نبرد کرهه، در سال ۵۳ ق.م، زاده چنین وضعیتی بود که بر روابط ایران و روم حاکم شده بود و به روابط کج‌دار و مریز ایران و روم، که از سال ۹۵ قبل از میلاد در اولین نشست در دوران فرمانروایی مهرداد دوم و کورنولیوس سولا شکل گرفته بود، پایان داد و پس از سپری شدن حدود چهار دهه از نشست ایران و روم، که در محدوده آناتولی برای تعیین حدود جغرافیایی و مناطق نفوذ دو قدرت انجام گرفت و احتمالاً در آن جلسه رودخانه فرات به‌عنوان مرز بین ایران و روم تعیین شد، روم به فرماندهی کراسوس با نادیده گرفتن تعهدات پیشین، برای تسخیر سلوکیه از رودخانه فرات عبور کرد تا سیاست توسعه‌طلبی روم به سمت مرزهای شرقی را با تسخیر ایران کامل کند. زیرا دولت جمهوری روم در طول این دوره تا حد زیادی در تعامل با شرق، تحت تأثیر سه جنگ مهرداد، توانسته بود قدرت خود را تثبیت کند و در عوض جنگ‌های خاندان اشکانی بر سر جانشینی و اختلافات داخلی، قدرت دخالت در نتایج نظامی در سوریه، میان‌رودان شمالی و آناتولی را از شاهنشاهی اشکانی، که تیگران بزرگ با آزاد کردن ارمنستان و سلطه بر سرزمین‌های تحت نفوذ آنها عنوان شاه شاهان را تصاحب کرده بود، گرفته شد. بنابراین، در این مدت، روم درک مبهمی از میزان قدرت اشکانیان داشت و پس از توافق موقت سولا با ارو باز نماینده مهرداد دوم، بار دیگر دیداری بین اشکانیان با لوکولوس در زمستان ۶۸/۶۹ قبل از میلاد و پومپه در سال ۵۹ قبل از میلاد،

در زمان فرهاد سوم، در طی لشکرکشی به شرق و اشغال سوریه صورت گرفت، که هیچ کدام به تصویب سنای روم نرسید و تنها معاهده رسمی در سال ۲۰ قبل از میلاد در زمان آگوست برای پایان دادن به اختلافات مرزی به تصویب سنای روم رسید. واکنش پادشاهان اشکانی در طول این مدت نشان از شناخت کامل و واقعی از تهدیدهای کنسول‌های رومی دارد، زیرا در تصمیمات پس از ملاقات‌های بین آنها نوعی آگاهی عمیق از شرایط داخلی و خارجی دیده می‌شود. در دیدار نخست، که اشکانیان در اوج ثبات شاهنشاهی خود تحت فرمان مهرداد دوم بودند، نماینده ایران به دلیل رعایت نکردن شأن و جایگاه نمایندگی شاهنشاه، اعدام می‌شود و در دیدار دوم، فرهاد سوم به دلیل شرایط وخیم داخلی و برخی سیاست‌های پیدا و پنهان دیگر، که مربوط به سیاست خاص خارجی اشکانیان در آن شرایط است و ما به علت فقدان داده‌های تاریخی از کم و کیف آن بی‌خبریم، به ظاهر از خود نرمش نشان می‌دهد. البته عدم حضور اشکانیان در این دوران، نقش آنها را در شکل‌گیری حیات پادشاهی‌های غرب فرات و فروپاشی سلسله ارمنستان، که حساسیت زیادی به لحاظ منافع و امنیت برای اشکانیان داشت، کم‌اثر کرد و فرصت حضور و نفوذ روم را برای پر کردن خلأ قدرت در این مناطق هموار کرد و احتمالاً عدم اطلاع روم از میزان قدرت اشکانیان، آنها را در حمله به قلمرو اشکانی ترغیب کرد و با شکست فرماندهان رومی در نبردهای کرهه و فراسپه، آگوست امپراتور روم، برای جلوگیری از چنین صدماتی، ناچار شد از موضعی برابر با اشکانیان مذاکره کند و رسماً رودخانه فرات را به عنوان مرز طبیعی بین دو قدرت، در معاهده سال ۲۰ قبل از میلاد، بپذیرد. زیرا جنگ‌های داخی روم (۳۱-۴۹ ق. م.)، به اشکانیان فرصت داد که نه تنها ارمنستان بلکه سوریه را نیز مورد تاخت و تاز قرار دهند. اشغال این مناطق بسیار آسان صورت پذیرفت و در پایان قرن یکم

قبل از میلاد، آگوست از فرصت صلح با اشکانیان استفاده کرد و توانست سوریه را بازسازی و حتی نایب سلطنه‌ای را برای ارمنستان تعیین کند. بر اساس شرایط انعقاد قرارداد با روم، فرهاد چهارم، شاهنشاه اشکانی، نشان‌ها و علائم جنگ حران را از دست داد و ماشین تبلیغاتی آگوست از این فرصت به نفع خود بهره‌برداری کرد.

آگوست برای پیشبرد اهداف روم در شرق و مهار اشکانیان، پس از پذیرش فرات به عنوان مرز رسمی بین دو کشور، با کنار گذاشتن گزینه جنگ، از طریق صلح و مدارا و نفوذ در اندرونی خاندان شاهی اشکانی وارد شد تا با کم‌ترین هزینه، زمینه تضعیف قدرت اشکانیان را فراهم کند و در نهایت آنها را دست‌کم از فکر نفوذ در ارمنستان باز دارد. آگوست، بحث سازش را به جای رویکرد جنگ با اشکانیان برگزید تا خود را برتر از کراسوس و آنتونی، که هر دو علاقه‌مند به غارت و تسخیر تیسفون بودند، برای مردم زمان خود ترسیم کند. آگوست، هرچند در مورد ارمنستان رضایت به آتش‌بس داد، تا با تثبیت کردن مرز روم در شرق، استان‌های دوردست غربی را توسعه و اداره کند، اما روم همچنان ارمنستان را منطقه مورد انقیاد خود می‌دانست و به طور واضح ارمنستان در میان استان‌های ناآرام ایالت شرقی قرار داشت و همچنان مسئله مورد منازعه رومیان و اشکانیان باقی ماند. با وجود صلح آگوست با اشکانیان، همچنان اشکانیان یک تهدید بزرگ از جانب نخبگان رومی تلقی می‌شد و عامه مردم روم نیز ارمنستان را برای دفاع از مرزهای امپراتوری در مقابل اشکانیان مهم می‌شمردند. با این همه، اقدامات رومیان در مقابل اشکانیان، چه در طول قرن یکم قبل از میلاد و چه در سده‌های بعد، در نتیجه ترس حمله از جانب اشکانیان نبود، بلکه آنها به دنبال گسترش قلمرو روم بودند و از آنجایی که سلطه بر ارمنستان کلید سلطه سیاسی بر منطقه بود، ارمنستان تا پایان

حکومت اشکانیان و حتی در طول دوره حکومت ساسانیان نیز مسئله اصلی مورد نزاع ایران و روم باقی ماند و بیشتر اوقات محل اجرای مانورهای سیاسی و نظامی گردید.

سرزمین ارمنستان، به دلیل جایگاه جغرافیایی و پایگاه راهبردی آن در تاریخ این دوره، همواره همچون گذرگاهی برای سیطره بر قفقاز و آناتولی از یک سو و میان رودان و سوریه، از سوی دیگر عمل می کرد. ارمنستان در دوران اشکانی، بیش از هر دوره ای، برای ایران و روم اهمیت فراوان پیدا کرد، زیرا سلطه و نفوذ در ارمنستان، برای هر یک از قدرت های ایران و روم، به منزله اعمال نفوذ در سرزمین های طرف مقابل و حفظ سلطه بر سرزمین های تحت تصرفی آنها بود. از این رو، طبیعی است که اهمیت ارمنستان، پس از پیشروی شاهنشاهی اشکانی به سمت غرب، به منظور دستیابی بر سرزمین های پیشین شاهنشاهی هخامنشی و گسترش امپراتوری روم در جهت شرق، برای اعاده شکوه دوران اسکندر، برای ایران و روم نسبت به دوران پیش از آن دو چندان شود. به همین دلیل، اشکانیان از زمان مهرداد دوم با اعمال نفوذ در ارمنستان، فرمانروایان این سرزمین را دست نشانده خود کردند. هر چند ضعف جانشینان مهرداد، در نتیجه مشکلات داخلی اشکانیان و جنگ های جانشینی در بین شاهزادگان اشکانی، موجبات اعمال نفوذ روم بر ارمنستان شد، اما با این همه فرمانروایان آرتاکسی ارمنی، که پیوندهای دیرینه ای با ایران داشتند، نهایتاً در جنگ های بین ایران و روم، علی رغم اتحاد آنها با روم، در نهایت جانب اشکانیان را می گرفتند و مدارای اشکانیان با آنها از زمان مهرداد دوم به بعد در این تصمیم ارمنی ها موثر بود و به همین دلیل، روم از ضعف دوران فرهاد پنجم استفاده کرد و سلطنت این خاندان را از ارمنستان برانداخت. برافتادن دودمان محلی آرتاکسی در ارمنستان توسط امپراتوری روم، موجب نارضایتی ملت ارمنی

از امپراتوری روم و گرایش آنها به اشکانیان شد. در نتیجه اشکانیان با پشتوانه ناخارارهای ارمنی، که بیشتر آنها از اعقاب اشراف بازمانده وابسته به خاندان هخامنشی بودند، برای براندازی نفوذ روم در این منطقه به اقداماتی دست زدند. اشکانیان به ویژه در دوره اردوان دوم که از اهمیت ارمنستان به خوبی آگاه و به دنبال احیای اقتدار پیشین شاهنشاهی بودند، در رقابت با روم توانستند چندبار شاهان دست‌نشانده روم را از ارمنستان متواری کنند و به جای آنها فرزندان خود را بر تخت ارمنستان بنشانند. اما هر بار امپراتوری روم با تحریک اقوام مهاجم به ایران و پشتیبانی از شاهزادگان اشکانی ساکن در روم، آن‌چنان موجبات گرفتاری اردوان را فراهم می‌کرد که او از پرداختن به امور ارمنستان عاجز می‌شد.

رقابت شاهان گرجی دست‌نشانده روم در ارمنستان و درگیری و نزاع آنها بر سر قدرت، نفرت ارمنی‌ها را نسبت به رومی‌ها برانگیخت و پیوندهای دیرینه آنها را بار دیگر متوجه اشکانیان کرد. در نتیجه، بلاش یکم، شاهنشاه اشکانی، با حمایت ناخارارهای ارمنی و پس از چندین نبرد با امپراتوری روم، برادرش تیرداد اشکانی را، با تأیید ظاهری روم، بر تخت ارمنستان نشاند؛ اگرچه این امر، با توافق ایران و روم، تحت عنوان پیمان رانديا، صورت گرفت، اما از آنجایی که امپراتوری روم با دیپلماسی و زور اسلحه اشکانیان، به ناچار تن به این کار داده بود، از هر فرصتی می‌خواست استفاده کند تا مانع شکل‌گیری اشکانیان ارمنستان، به دلیل پیوند تنگاتنگ آن با ایران شود؛ اما حمایت اشکانیان از این سلسله در ارمنستان، به دلیل موقعیت استراتژیک این سرزمین، مانع تحقق این هدف روم شد.

درگیری‌های مستمر ایران و روم بر سر ارمنستان در قرن دوم میلادی، در واقع به دلیل نارضایتی روم از انعقاد پیمان رانديا بود، که گسترش مطامع ارضی رومی‌ها را، که از سال‌ها پیش در سیاست توسعه قلمرو خود به سمت

شرق در پیش گرفته بودند، سد کرده بود. بنابراین، این سیاست روم، پس از مقاومت اشکانیان و انعقاد پیمان راندیا و رویکرد جانب‌دارانه ارمنستان به ایران عملاً متوقف شد؛ و باعث نارضایت‌مندی امپراتوری روم از این پیمان شد. به همین دلیل، روم بارها پس از آن، به صورت غیر مستقیم، از طریق تحریک اقوام کوچ‌نشین از جمله آلان‌ها به سرزمین ارمنستان، به نتایج این پیمان واکنش نشان داد و حتی پس از عدم موفقیتش در این زمینه، دست به اقدامات نظامی زد و از اوضاع پریشانی که شاهنشاهی اشکانی، پس از مرگ بلاش یکم، به آن مبتلا بود استفاده کرد و ارمنستان را دست‌آویزی برای توجیه حملات خود به مشرق‌زمین قرار داد. در واقع هدف امپراتوران روم از الحاق ارمنستان به امپراتوری روم، بهره‌گرفتن از موقعیت استراتژیک این سرزمین برای تسهیل فتوحات بعدی خود بود. شاهد این مدعا این است که امپراتوران روم تنها پس از تسلط بر ارمنستان می‌توانستند بر ایالات غربی ایران و حتی پایتخت شاهنشاهی اشکانی مسلط شوند. در مقابل پیشروی‌های امپراتوری روم، اشکانیان با در پیش گرفتن جنگ‌های پارتیزانی و چریکی و با یک استراتژی مناسب پس از کشاندن نیروهای رومی به داخل میان‌رودان و عقب‌نشینی موقت خود به داخل سرزمین‌های اصلی ایران، نیروهای رومی را وادار به بازگشت می‌کردند و ارمنستان را هر بار به وضعیت پیشین خود به گونه‌ای باز می‌گرداندند که جنگ‌های امپراتوری روم با شاهنشاهی اشکانی، در طی قرن دوم میلادی، تغییر اساسی ایجاد نمی‌کرد؛ زیرا روم هر بار پس از پیروزی، با مقاومت و سرسختی اشکانیان در برپا داشتن حاکمیت خود و اصرار بر نفوذ بی‌چون و چرای اشکانیان در ارمنستان مواجه می‌شد و عقب می‌نشست.

امپراتوری روم، در طول قرن دوم، با تحمیل سه جنگ در اول وسط و آخر این قرن، که مستقیم و غیر مستقیم به بهانه حل مسئله ارمنستان بر ایران

تحمیل کرد، خسارات مالی و جانی فراوان و بی‌حاصلی برای دو قدرت به بار آورد. در سه نبردی که بین امپراتوری روم و شاهنشاهی اشکانی در طول قرن دوم اتفاق افتاد به‌جز جنگ سوم، که بر سر میان‌رودان اتفاق افتاد و آن هم ریشه در دو جنگ پیشین داشت، نقش کانونی و محوری ارمنستان در شعله‌ور شدن نائره جنگ بین دو قدرت شرق و غرب انکارناپذیر است. اشکانیان ارمنستان، در پایان قرن دوم به نوعی به دنبال استقلال سیاسی خود از شاخه اصلی، یعنی شاهنشاهی اشکانی که همواره می‌خواستند یکی از اخلاف خود را بر ارمنستان بنشانند، برآمد. به هر حال، شکی نیست که اشکانیان ارمنستان در طول یک قرن و نیم حضور مداوم در ارمنستان چنان ریشه در این کشور حائل و استراتژیک بین دو قدرت شرق و غرب دواندند، که از پادشاهی بلاش دوم اشکانیان در ارمنستان موروئی شدند. با این همه، شاهنشاهی اشکانی در طول قرن دوم، در سالهای ۱۱۶ توسط ترایان، ۱۶۴ توسط وروس و ۱۹۷ به وسیله سوروس، در حالی تسخیر و غارت شد که پیش از این و پس از آن در سالهای پایانی حکومت اشکانی در همه‌جا پیروزی با اشکانیان بود و آنها توانسته بودند مسئله ارمنستان را به عنوان مهم‌ترین کانون بحران در روابط ایران و روم، به نفع خود حل کنند.

منابع

نخستین رسالت یک مورخ برای بررسی تاریخ یک ملت، رجوع به منابع متقن و بازمانده از دورانی است که گرد و غبار گذر زمان نیز نتوانسته باشد واقعیت‌های تاریخی مربوط به آن ملت را تحریف کرده باشد و یا به عبارت دیگر نگاه یک مورخ به تاریخ یک ملت باید به گونه‌ای باشد که جای هرگونه تحریف و تفاسیر نادرست را سد کند و تا جایی که امکان داشته باشد از هرگونه جانب‌گرایی در پذیرش و رد شواهد برجای مانده، خودداری و بی‌طرفی اختیار کند. مورخ باید در تبیین شواهد تاریخی به مانند یک قاضی عادل عمل کند و تنها بر اساس شواهد و مدارک از حقایق تاریخی سخن بگوید و به تحلیل حوادث پردازد. بررسی تاریخ یک سرزمین، آن هم در اعصار باستانی امری بسیار خطیر است زیرا شواهد تاریخی از آن دوره به دلایل مختلف اندک است و همان شواهد اندک نیز با گذر زمان از گرد و غبار تحریف در امان نبوده است و بنابراین، رسالت مورخ برای بررسی این مدارک کار بسیار مشکلی است و نیازمند تعمق بیشتر و از این حیث شبیه کار یک قاضی عادل است که باید رای نهایی خود را بر اساس شواهد و مدارک صادر کند و نه بر اساس رای درونی، که آفت قضاوت است.

بررسی منابع تاریخی ایران در دوره سلوکی و اشکانی نیز از این امر مستثنی نیست و باید با دقت عمل در اسناد و مدارک از صحت شواهد

تاریخی اطمینان حاصل کرد. البته فقدان مدارک کافی برای بررسی تاریخ سلوکی و اشکانی، باعث می‌شود مورخ بر اساس همان واقعیت اندک، دست به دامان ادراکات قیاسی و الگوهای مشابه به رخدادهایی شود که در زمان دیگر و جغرافیای مشابه با همان مکان اتفاق افتاده و استفاده از آن الگوها به طور قطع می‌تواند فهم جامع‌تری از ادراکات تاریخی بدهد. هرچند، مباحث این کتاب به روابط خارجی دوره سلوکی و اشکانی با محوریت روم نوشته شده و در آن نسبت به موضوعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مدارک بیشتری برجای مانده، اما لازمه فهم روابط بین ملل، این امر را ایجاب می‌کند که ما اطلاعات کافی درباره ساختارهای درونی آن سرزمین از قبیل جامعه، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، که روابط با دیگر سرزمین‌ها نیز حول محور این موضوعات شکل می‌گیرد، داشته باشیم. بنابراین، نخستین هدف این کتاب، ارائه یک نگرش درست و قابل فهم برای تاریخ روابط ایران با ملل همجوار در دوره سلوکی و اشکانی است که به دور از هرگونه جانب‌داری و تنها بر اساس معیارهای اصول تاریخ‌نویسی و نقد متون تاریخی جانب‌دارانه نوشته شده است. لازم به ذکر است، داده‌های تاریخی از دوران سلوکی و اشکانی درباره مباحث روابط خارجی ایران با سرزمین‌های شرقی بسیار ناچیز است و تنها اطلاعات ما به داده‌های بخش غربی سرزمین ایران محدود می‌شود. منابع مکتوب از داخل سرزمین ایران چه در دوره سلوکی (به جز سنگ‌نبشته‌های شوش) و چه اشکانی (به جز اسناد اندک و پراکنده)، چیز چندان زیادی برجای نمانده و احتمالاً بیشتر منابع مکتوب که بر مواد فاسدشدنی از قبیل چرم و چوب پاپیروس نوشته شده به علت گذر زمان از بین رفته است و لزوم به کارگیری دیگر منابع جایگزین، از قبیل جغرافیا، گاهشماری و بررسی سکه‌ها، باستان-

شناسی، منابع شفاهی داخلی و مکتوب خارجی، ضرورتی است که در این کتاب بدان پرداخته شده است.

ضعف پژوهش در تاریخ این دوران، به علت کمبود منابعی است که پژوهشگر برای ترسیم یک تصویر کامل از این دوران نیاز دارد. با در نظر گرفتن کمبود منابع مکتوب داخلی در دوره سلوکی و اشکانی و نقص و یک‌جانبه‌گرایی منابع نوشتاری، به‌خصوص درباره تاریخ اشکانی، استفاده از جغرافیای تاریخی برای تحلیل حوادث و رخداد‌های قرن یکم قبل از میلاد آن هم در شرایطی که منابع کم‌ترین اطلاعات لازم را در اختیار محقق قرار می‌دهد، به عنوان یکی از منابع مهم و در دسترس، بسیار ضروری است. زیرا بررسی جغرافیای محل‌های وقوع حوادث، بسیاری از انگیزه‌ها و علل رفتار دو قدرت ایران و روم را برای ما روشن می‌کند. از آنجایی که جغرافیا کم‌ترین تغییر را در طول زمان می‌پذیرد، پس از گذشت سال‌ها می‌تواند راهگشا در فهم تاریخ باشد. رودخانه‌ها و کوه‌ها، چشم‌اندازهای جغرافیایی را تشکیل می‌دهند که در فهم تعیین مرز جغرافیایی بین اشکانیان و روم بیشترین تأثیر را بر شناخت ما از آن دوران به‌دست می‌دهند. دامنه کوه‌های توروس که بخش‌های آناتولی را از سوریه جدا می‌کند برای روم به قدری اهمیت داشت که اولین درگیری او در شرق برای تصاحب آن، ما را در فهم عملکرد روم یاری می‌کند و یا بررسی جغرافیایی منطقه هفتاد دره، که مهرداد دوم در ازای آزادی تیگران از ارمنستان طلب کرد، به دلیل قرار گرفتن در دره رود آراکس، اصلی‌ترین مسیر بین ارمنستان و منطقه مرکزی ماد آتروپاتن در ایران، بوده است و مهرداد دوم با منضم کردن این منطقه به قلمرو اشکانی، نه تنها می‌خواست ایالات غرب و شمال غرب را از خطرات آتی از جانب قفقاز حفظ کند، بلکه جلوی توسعه‌طلبی روم را نیز بگیرد. بنابراین بررسی کارکرد مهم استراتژیکی این منطقه از این نظر برای

ما اهمیت دارد که اسباب بسیاری از حوادث خارجی و فعل و انفعالات سیاسی شاهان اشکانی را در ارتباط با سرزمین ارمنستان روشن می‌کند. حتی انتخاب رود فرات، به مدت سه سده، به عنوان مرز بین اشکانیان و روم، احتمالاً به دلیل وجود موانع طبیعی و دره در امتداد رودخانه فرات بوده است؛ که این امر به نوبه خود نه تنها می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت جغرافیا برای کمک به فهم بهتر رخدادهای تاریخی باشد، که محقق به دلیل فقدان منابع از درک آن عاجز است، بلکه نشان از تاثیر جغرافیا بر بسیاری از رفتارهای شاهان در موقعیت‌های مختلف می‌دهد که در تصمیم آنها بی‌تأثیر نیست.

افزون بر این، استفاده از گاهشماری و بررسی سکه‌ها نیز منبع خوبی برای تأیید پیروزی سلوکیان و اشکانیان و میزان رفاه مناطق تحت تصرف آنها است. اهمیت مطالعات سکه‌شناختی به مثابه منبعی اساسی برای بازشناسی جنبه‌های مختلف سبب شد تا بسیاری از پژوهشگران از همان ابتدا به بررسی سکه‌های سلوکی^۱ و اشکانی^۲ بپردازند. مطالعه سکه‌ها شناخت ما را از این دوره، که اطلاعات اندکی از منابع برای دهه‌های نخستین آن برجای مانده است، می‌تواند نقش مهمی در بازسازی عصر سلوکی و

۱. عمده‌ترین پژوهش‌ها که درباره سکه‌های سلوکی صورت گرفته عبارتند از:

Newell, *the Coinage of the*; Miles, "Excavation Coins from the ...", p 1-23; Houghton, "Notes the Early Seleucids ...".

۲. عمده‌ترین پژوهش‌ها که درباره سکه‌های اشکانی صورت گرفته عبارتند از:

Sellwood, "The Parthian Coins of ...", p 73-89; "The Drachms of the ...", p 2-25; An Introduction to the...; "Parthian Coins", p 277-298; Wroth, *Catalogue of the Coins*; Simonetta, "Some Remarks on the...", p 15-40; "A Proposed Revision of the...", p 69-108; "Overstrikes, mules, modified...", p 41-54; Simonetta & Sellwood, "Again on the Parthian...", p 95-119; Shore, *Parthian Coins and History*; Assar, "Geneology and Coinage ... Part I", p 143-164; "Geneology and Coinage ... Part II", p 29-63.

اشکانی ایفا کند. سکه‌های اشکانی نه تنها به علت مضامین نوشته شده بر روی آنها، بلکه به دلیل محتوای تصویری یکی از مهم‌ترین اسناد برای شناخت دوره سلطنت شاهان اشکانی است. اما چون نام واقعی هر شاه در آغاز فقط در موقعیت‌های غیر عادی، مثلاً هنگام ظهور یک شاه رقیب ذکر می‌شد، تشخیص هویت فرمانروای توصیف شده بر اساس تاریخ تعیین سکه همیشه به آسانی میسر نیست و به همین دلیل همواره اختلاف آرا بین سکه‌شناسان وجود دارد.

منبع دیگر ما برای شناخت این دوره، باستان‌شناسی عصر سلوکی و اشکانی است، که با در نظر گرفتن محدودیت اطلاعات و عدم دقت در گزارش منابع غربی، خالی از نقص و جانب‌داری نیستند، این منبع برای سنجش صحت و سقم منابع غربی و تکمیل اطلاعات ما در کنار سایر منابع بسیار راهگشاست. اکتشافات اخیر باستان‌شناسی، به عنوان مثال کاوشهای اشکانی در نسا، اطلاعات تاریخی مهمی در مورد سالهای اولیه حکومت اشکانیان به ما ارائه داده است، که ما می‌توانیم از آن برای تکمیل منابع ادبی غرب و ارزیابی و قابلیت اطمینان آن استفاده کنیم.^۱ کشف اُستراک‌های نسا، در ۱۹۷۰، منجر به شناسایی سنتروک‌ها و رابطه آنها با اشکانیان و دلایل جنگ وراثتی آنها در دوره تاریک عصر اشکانی شد.^۲ تیم‌های ایتالیایی و روسی هزاران اُستراک نوشته شده به زبان پهلوی را از دوره مهرداد در نسا از زیر خاک درآوردند که در آن بسیاری از جزئیات مهم درباره اشکانی با بینش عالی درباره کارهای اقتصادی شاهنشاهی تشریح شده است. آثار هنری این دوره، به ویژه کشف قابل توجهی از پنجاه جام شاخوار

1 Bivar, "The Political History of...", P 22; Invernizzi, "Parthian Nisa: New..", P 45-59.

2 Assar, "A Revised Parthian Chronology...", P 74-7

(ریتون) از عاج^۱ و معماری نسا، به طور آزادانه تأثیرات غرب و شرق را در ایجاد سبک منحصر به فرد هنری نشان می‌دهد که در عین آمیختگی عناصر اوستایی در سبک نمادهای سکایی در جواهرات، سفال و سکه‌ها، با سبک میان‌رودانی، ایرانی و یونانی نیز ترکیب یافته است.^۲ سایت‌های باستان‌شناسی دیگر از قبیل جبل خالد، سلوکیه/آپامه (زوگما)، آرتاکسات و سلوکیه کنار دجله برای دوره مورد بحث ما مهم هستند؛ به خصوص سایت جبل خالد، که در بیست سال گذشته توسط یک تیم استرالیایی تحت سرپرستی پروفیسور جی. کلارک انجام شده است، سرخ‌های بسیار مهمی در توسعه مرز فرات در دهه نخست قرن یکم قبل از میلاد و رها شدن دائمی آن در دهه هفتم قبل از میلاد، با وجود ارزش استراتژیک آن، از مسائلی هست که در چارچوب ژئوپولیتیک گسترده‌تری قرار می‌گیرد.^۳ شهر دورا اورپوس از زمان کشف آن در دهه ۱۹۲۰ یکی دیگر از سایت‌های مهم است که حفاری‌های اخیر در آن، مدارکی از اشغال این شهر توسط اشکانیان ارائه داده است.^۴ حفاری‌های اخیر در سلوکیه/آپامه، شناخت بیشتری از پادشاهی کوماگنه و نقشش، به عنوان میانجی در روابط اشکانیان، به دلیل قرار گرفتن این شهر در بین دو جبهه ایران و روم، می‌دهد.^۵ بررسی سطحی و کاوش دیوار دفاعی دشت گرگان، که از بقایای چشمگیر آن صرف‌نظر شده است، امروزه به درستی تأییدکننده آن است که این دیوار

در اصل مربوط به دوره اشکانیان و به خصوص مربوط به عصر مهرداد دوم
 1 Masson, "The Discovery of the Parthian...", P 19-24; Pappalardo, "The Rhyton No...", P 63-80.

2 Nadooshan, F. Arkan, A. R. Arkan & Saifari, "Scythian in Eastern Border...", P 195-7; Invernizzi, "Thoughts on Parthian Nisa", P 133-142; Ibid, "Parthian Nisa: New...", P 107-119; Pilipko, "The Central Ensemble of...", P 33-51.

3 Clarke, "Recent Australian and New...", P 69-75.

4 Edwell, Between Rome and Persia, P 93-148.

5 Kennedy, "The Twin Towns of..."; Wagner, Seleukia am Euphrat/Zeugma, P 132-146; Ibid, "Die Römer an Euphrat...".

اشکانیان و به خصوص مربوط به عصر مهرداد دوم است و به اشتباه آن را به اسکندر و سلوکی‌ها نسبت داده شده است.^۱ با بکارگیری داده‌های باستان‌شناسی و تحلیل آنها، چرایی و چگونگی بسیاری از رفتارها و عملکردهایی که در روابط ایران و روم، به دلیل کمبود منابع نوشتاری، ناشناس باقی مانده است حل می‌شود. البته با بکار بردن اکتشافات نوین باستان‌شناسی در بستر تاریخی، ارزش واقعی باستان‌شناسی، به عنوان یک منبع مهم شناخت تاریخ، می‌تواند در نوع خود کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر باشد.

برای بررسی اسناد و مدارک مکتوب مربوط به این دوره از تاریخ اشکانیان، باید توجه خاصی به خرده سفال‌های مکتوب مربوط به مراکز اشکانیان در نسا، یکی از مراکز اولیه اشکانیان در ترکمنستان و شهر قومس (هکاتومپولیس یا صد دروازه) و نیز به نوشته‌های مکشوفه بر روی پوست در اورامان در غرب ایران و پوست و پاپیروس نوشته‌های دورا، متمرکز کرد.

زیرا منابع ادبی از قبیل کتیبه‌های برجای مانده از دوره اشکانی اندک و پراکنده‌اند و عمده آنها منحصرأ متون مانوی هستند و مدت‌ها پس از سقوط اشکانیان نوشته شده‌اند و اطلاعات چندانی از آنها برای فهم دوره مورد بحث استفاده نمی‌شود.^۲ اما با این وجود لازم است از همین اندک متون کتیبه‌ای برجای مانده از دوره اشکانی، که برخی از آنها برای شناخت ما از تاریخ اشکانیان مفید هستند و شامل دو کتیبه به خط و زبان پهلوی اشکانی متعلق به خونگ نوروزی در خوزستان، دوسنگ نبشته اشکانی از سرپل ذهاب و سنگ‌نبشته‌های یونانی از یک برجسته کاری در بیستون، در کنار

1 Kiani, "Parthian Sites in Hyrcania"; Ibid, "Excavations on the Defensive...", P 73-9; Charlesworth, "Preliminary Report on a...", P 160-5.

2 Frye, The Heritage of Persia, P 142-188.

سایر منابع از قبیل اسناد خط میخی یافت شده در میان رودان و منابع ادبی غرب در این باره مورد بررسی قرار گیرند.

هرچند عمده اطلاعات ما درباره اشکانیان از منابع غربی و عمدتاً رومی به دست می آید اما با این حال، هیچ یک از منابع رومی تصویر شفافی از توپوگرافی جغرافیای تاریخی شاهنشاهی اشکانی ارائه نمی دهند.^۱ یکی از دلایل اصلی عدم بهره‌مندی ما از اطلاعات کتبی درباره اشکانیان به خصوص درباره ایالت پارت به نظر می رسد کوتاهی سلوکی‌ها می باشد که منطقه را به عنوان بخش مهمی از قلمرو خود نادیده گرفته‌اند؛ و بنابراین احتمالاً آنها تلاش‌های قابل توجهی برای ثبت تاریخ یا جغرافیای منطقه انجام نداده‌اند.^۲ متأسفانه بسیاری از آنچه که در دوره کلاسیک نوشته شده است به صورت ناقص به ما رسیده است؛ به عنوان مثال پارتیکای آپلودوروس آرمتیایی، نویسنده یونانی که در قرن یکم قبل از میلاد در قلمرو شاهنشاهی اشکانی زندگی می کرد،^۳ بسیار تأثیرگذار است و عمده اطلاعات جغرافیایی پارتیکا از طریق استرابو و پلینی به ما رسیده است.^۴ بنابراین ما چاره‌ای نداریم به جز اینکه به کارهای چند نویسنده کلیدی، که بیشترین اطلاعات را درباره تاریخ اشکانیان ارائه می دهند، تکیه کنیم. منابع اصلی ما برای رشد و توسعه پادشاهی اشکانی جغرافیای استرابو و تاریخ فیلیپیک تروگوس پومپئوس است. هر دو این آثار در طول سالهای قرن یکم قبل از میلاد نوشته شده است، اگرچه کار تروگوس از طریق یوستین که دو قرن بعد زندگی می کرد، به ما رسیده است

1 Drijvers, "Ammianus Marcellinus' image of..", P 200.

2 Momigliano, *Alien Wisdom: The Limits of*, P 138; Grajetzki, *Greeks and Parthians in Mesopotamia*, P 9.

3 Nikonorov, "Apollodorus of Artemita and...", P 107.

4 Tarn, *The Greeks in Bactria*, P 44-45; Nikonorov, "Apollodorus of Artemita and...", P 112; Drijvers, "Strabo on Parthia and the Parthians", P 281; "Ammianus Marcellinus' image of..", P 200.

اما در واقع هر دو منبع مذکور به دوره آگوستین، که روم مجبور شد تصمیم بگیرد با اشکانیان کنار بیاید، تعلق دارند.^۱ استرابو در کتاب یازدهم، پارت، قلمرو اصلی اشکانیان را متمایز از سایر قلمروهای اشکانیان، به عنوان سرزمینی نه چندان بزرگ با کوهستان‌های نسبتاً انبوه و فقیر توصیف می‌کند^۲ و پس از آن به چگونگی گسترش تدریجی قدرت اشکانیان از پارت به دروازه کاسپی، ری و طبرستان، که قبلاً متعلق به ماد بود، می‌پردازد. کوتاهی گزارش جغرافیایی استرابو و وابستگی وی به منابع کتبی اولیه نشان می‌دهد تعامل فرهنگی بین روم و اشکانیان در قرن نخست قبل از میلاد در نتیجه روابط دیپلماتیک مهرداد دوم و سولا ایجاد شده است. در واقع اگرچه ما نمی‌توانیم از گزارش دقیق آپلودوروس در ارتباط با جغرافیای پارت مطمئن باشیم، از گزارش پلینی اینگونه استنباط می‌شود او در نهایت متوجه شده که اطلاعات بیشتری در این باره لازم است و به همین دلیل ایزیدور خاراکیسی از طرف امپراتور آگوست مامور گردآوری اطلاعات بیشتری درباره شرق می‌شود و این اطلاعات تحت عنوان *ایستگاه‌های اشکانی* منتشر می‌شود.^۳ در نتیجه تمرکز بر شناخت شرق در این دوره، جزئیات بیشتری درباره جغرافیای قلمرو اشکانیان توسط پلینی، به خصوص درباره تقسیمات سیاسی اداری اشکانیان^۴ ارائه می‌شود، که در شناخت مرزهای جغرافیایی ایران در دوره اشکانی بسیار مفید است. سایر منابع مهم در این باره را می‌توان با فاصله اندکی پس از تاریخ طبیعی پلینی بزرگ‌تر، که این اثر را بین ۷۷ تا ۷۹ میلادی نوشته است، پیدا کرد و این منابع شامل بقایای قطعات پارسیکای آریان، که در زمان حاکمیت هادریان منتشر شد و آثار نویسندگانی نظیر پلوتارک درباره زندگی کراسوس

1 Momigliano, *Alien Wisdom: The Limits of*, P 140.

2 Strabo, *the Geography of Strabo*, XI, 9, 1.

3 Mattern, *Rome and the Enemy*, P 34.

4 Pliny, *Natural History*, 6, 29.

و آنتونی و شکست روم از اشکانیان، یوسفوس درباره روابط یهودیان با اشکانیان و تاکیتوس درباره روابط اشکانیان با رومیان و حتی اثر آمیانوس مارکلینوس که در قرن چهارم نوشته شده و مبانی تاریخ اشکانیان را به گونه‌ای ارائه می‌دهد که گویی با نوشته‌های نویسندگان قبلی خود آشنا بوده است. بجز این موارد، منابع دیگری که ارزش خاصی برای تاریخ اشکانیان در این دوره دارند، می‌توان به جغرافیای بطلیمیوس، موسی خورنی و اروسئوس، اشاره کرد. منابع دیگر از قبیل پولیبیوس درباره روابط ایرانیان و سلوکیان به ویژه در دوره آنتیوخوس سوم، آپیان و کاسیوس درباره روابط اشکانیان با رومیان، برای روشن شدن تاریخ ایران و روم بسیار راهگشا و مفید می‌باشند. از آنجایی که منابع غربی به اولین تماس ایران و روم، که توسط سولا با امپراتوری اشکانی انجام شد، تنها اشاره می‌کنند و عمده گزارش‌های منابع یونانی و رومی پیرامون اشکانیان پس از نبرد کرهه، در سال ۵۳ قبل از میلاد، هنگامی که شاهنشاهی اشکانی در نهایت با پیروزی بر روم به عنوان رقیب رزمی روم شناخته شد، نوشته شده است و تا پیش از نبرد کرهه، نگرانی‌های روم در شرق قلمرو خود در درجه نخست به حاکمیت کاپادوکیه در آناتولی غربی و تهدید مهرداد ششم پونتی، مربوط بود، در منابع ادبی غرب، به اشکانیان توجه بسیار اندکی شده است. بنابراین تنها با تکیه بر منابع غربی نمی‌توان شناخت کافی از تاریخ اشکانیان کسب کنیم و لازم است در این باره بیش از پیش بر اندک اسناد مکتوب برجای مانده از این دوران از قبیل کتیبه‌ها، متون میخی میان‌رودان و گواهی‌های باستان‌شناسی این دوره در ایران و سایر نقاط شاهنشاهی اشکانی تکیه کنیم و در پاره‌ای از موارد ناچار به طرح و پذیرش فرضیه‌های باشیم که اثبات آن در گرو کشف اسناد و یافته‌های بیشتری است که با گذشت زمان شاید برای آگاهی بیشتر از تاریخ این دوره اتفاق بیافتد.